

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال سوم، شماره‌ی دوازدهم، تابستان ۱۳۹۱، صص ۸۳-۱۰۳

اقدامات میلسیو برای حل بحران نان سال‌های ۱۳۲۱-۱۳۲۳

کریم سلیمانی،* جمیله عزیزخواه**

چکیده

با اشغال ایران در پی جنگ دوم جهانی، برای بهبود اوضاع نابسامان اقتصادی ایران از دکتر آرتور میلسیو، توسط دولت ایران و با سمت رئیس کل دارایی، دعوت به همکاری شد. از مهم‌ترین مسائلی که وی برای حل آن تلاش کرد، بحران نان بود. مقاله‌ی حاضر در تلاش است به این سوال اساسی پاسخ دهد که دکتر میلسیو برای رفع بحران نان در سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ چه اقداماتی انجام داد و نتایج این اقدامات چگونه بوده است؟ در پاسخ به این سوال، از مناسبتی همچون اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران، آرشیو وزارت امور خارجه ایران، مذاکرات مجلس دوره‌ی سیزدهم و چهاردهم شورای ملی، روزنامه‌ی اطلاعات و روش توصیف و تحلیل اطلاعات تاریخی استفاده شده است. از جمله دستاوردهای پژوهش در زمینه اقدامات میلسیو، انحلال وزارت خواروبار، تشدید انحصار محصول گندم و جو، نظارت بر جمع‌آوری غله، امور نانوایان، توزیع نان و آرد و... بود، که در این پژوهش میزان تاثیر این اقدامات و نتایج آن بررسی و تحلیل شده است.

واژه‌های کلیدی: دکتر آرتور میلسیو، رئیس کل دارایی، وزارت خواروبار، قسمت غله و نان.

* عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی. (soleimanyk@gmail.com)

** کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه تهران. (j.azizkhah@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۲۱ - تاریخ تأیید: ۹۲/۰۲/۰۲

مقدمه

در دوره پهلوی اول، جمع‌آوری و ذخیره گندم و جو از وظایف اساسی دولت به شمار می‌رفت و در سراسر کشور به این وسیله، نان مردم تأمین می‌شد. پس از اشغال ایران توسط متفقین در شهریور ماه ۱۳۲۰ و اخراج رضا شاه از ایران، کلیه ادارات دولتی در شهرستان‌ها مختل شد و از نظارت بر انباشت و ذخیره غلات، در هنگام برداشت و خرمن محصول در این دوره کاسته شد، به طوری که سیلوه‌های سر به فلک کشیده، خالی از گندم شدند. از عوامل مهم کمبود گندم، حضور متفقین در ایران بود که موجب افزایش مصرف گندم شده بودند. اگرچه متفقین مدعی بودند احتیاجاتشان از خارج تأمین می‌شود، اما چنین ادعایی صحت نداشت. گزارش‌هایی مبنی بر دخالت آن‌ها در قاچاق کالا دیده می‌شود. دولت شوروی، منطقه‌ی آذربایجان را که از مهم‌ترین مناطق غله‌خیز کشور بود، تحت اشغال خود درآورده بود و نه تنها اجازه‌ی صدور غله‌ی این منطقه را به سایر نقاط کشور نمی‌داد، غله‌ی آذربایجان را برای رفع احتیاجات نیروی خود به کار گرفت و یا به روسیه حمل می‌کرد و تنها مقدار اندکی را در ازای پرداخت پول به خود دولت ایران می‌فروخت. علاوه بر این، به موجب پیمان اتحاد سه‌گانه، کلیه‌ی وسایل حمل و نقل زمینی و راه آهن ایران، در اختیار متفقین قرار گرفت؛ در نتیجه، خواروبار و از جمله گندم، به خوبی انباشت، تمرکز و توزیع نمی‌شد و کمبود گندم که قسمت عمده خوراک مردم را تشکیل می‌داد در بیشتر نقاط کشور بروز نمود.

عوامل طبیعی، در روند بحران اقتصادی این دوره نیز موثر بود. خشک‌سالی از شهریور ۱۳۲۱ تا اواخر همین سال، به اوج خود رسید. به دلیل ناامنی و راهزنی بعد از شهریور ۱۳۲۰، زارعان و مالکان از جمع‌آوری کافی محصول خود باز ماندند و موفق به کشت نشدند؛ مشکل دیگر نیز این بود که راه صدور غله گشوده بود و به خصوص از مناطق شمال و غرب ایران، مقادیر زیادی برنج، گندم و احشام خارج می‌شد که موجب مضیقه‌ی شدید و قحطی در کشور شد. در ایران، به این دلیل که نان قوت اصلی مردم را تشکیل می‌داد، کمبود گندم تأثیر شدیدی در معیشت مردم داشت. در مورد مسئله‌ی نان، باید اشاره کرد که برخی از نانوایان، با فروش سهمیه‌ی آرد گندم خود در بازار سیاه و افزودن مواد دیگر به آن، به این معضل بزرگ دامن می‌زدند. اقداماتی که برای جلوگیری از احتکار گندم صورت گرفت، موجب بهبودی اوضاع نشد و دولت برای کنترل این وضع، مجبور شد

به جیره‌بندی نان اقدام کند. انتظار می‌رفت نان جیره‌بندی که بیشتر مردم شهرنشین به آن وابسته بودند، از کیفیت بالایی برخوردار باشد، اما از مرغوبیت این گندم در مسیر دروگر، مأمور حمل و نقل، آسیابان و نانو، به میزان زیادی کاسته می‌شد. مخلوط کردن آرد گندم و جو، رسماً مجاز شناخته شده بود اما مقدار لازم آرد گندم وارد ترکیبات نان نمی‌شد بلکه ارزن و دانه‌ی خشخاش، به آن اضافه می‌شد.

در تهران، صاحبان گندم حاضر به فروش آن به قیمت دولتی نبودند؛ اگرچه از عواقب فروش گندم در بازار سیاه و احتکار آن آگاه بودند. مسئولان سفارت‌خانه انگلستان، بر این نظر بودند که اگر دولت ایران نتواند مردم را وادار به فروش گندم به قیمت دولتی نماید، بایستی گندم را به قیمتی که مردم می‌فروشد بخرد یا اجازه دهد پایتخت دچار گرسنگی شود. در این میان، وزارت خواروبار نیز از خرید گندم در بازار آزاد سرباز می‌زد؛ زیرا معتقد بود اگر در مورد قیمت‌ها عقب نشینی کند، مردم به امید تحت فشار گذاشتن دولت برای افزایش قیمت گندم، بعد از خرمن محصول در ۱۳۲۲، گندم را انبار خواهند کرد. در پی مشکلات ناشی از اشغال ایران توسط متفقین در ۱۳۲۰ و بحران نان و گندم، دولتمردان ایران تصمیم گرفتند دکتر آرتور میلپو را مجدداً استخدام نمایند.^۱ مجلس دوره‌ی سیزدهم، در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۲۱ قانون استخدام میلپو را با سمت رئیس کل دارایی، تصویب کرد و وی در دی ماه ۱۳۲۱، وارد تهران شد. یکی از مهم‌ترین اقدامات میلپو در طول مأموریت خود، اقداماتی بود که در زمینه‌ی حل بحران نان انجام داد.

از میان منابعی^۲ که در تنظیم این مقاله به کار گرفته شده، هیچ‌کدام به صورت جامع به اقدامات میلپو برای مهار بحران نان نپرداخته است. میلپو در اثر خود یعنی *آمریکائی‌ها در ایران*، به خاطرات خود در دوره‌ی دوم مأموریتش نیز می‌پردازد و به بحران نان و اقدامات اصلاحی خود در مهار این بحران به طور خلاصه، اشاره نموده و در پایان، به نحوه‌ی برخورد دولت‌های آمریکا، انگلیس و شوروی با هیئت مالی، می‌پردازد. کتاب *شترها باید بروند* و همچنین مجموعه نامه‌ها و گزارش‌های خصوصی بولارد، وزیر مختار سفارت انگلستان در تهران، اطلاعات مهمی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران

۱. میلپو از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ با عنوان رئیس کل مالیه‌ی ایران، خدمت نمود که در مجموع، نتیجه‌ی اقداماتش در این دوره مثبت بود.

۲. اساساً منابع بسیار اندکی به مأموریت دوم میلپو در ایران پرداخته‌اند.

و گزارش اقدامات انجام شده توسط کشورهای متفق در ایران به دست می‌دهد. وی در بیان اوضاع داخلی ایران در این دوره، به اقدامات میلسپو در زمینه‌ی حل بحران نان به صورت مختصر و گذرا، اشاره می‌کند. اهمیت نامه‌های او به حدی بود که در هیئت دولت انگلستان بررسی می‌شد.

از دیگر منابع اصلی و مهم این دوران، روزنامه‌ی اطلاعات در طی سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ است. در این روزنامه، آئین‌نامه‌ها و دستورات صادره از سوی میلسپو و همچنین شرح اقدامات وی، به طور منظم درج می‌شده است. همچنین به منظور تکمیل منابع مورد نیاز خود، علاوه بر مذاکرات مجلس شورای ملی در دوره سیزدهم و چهاردهم، از اسناد منتشر نشده موجود در سازمان اسناد ملی ایران و آرشیو وزارت امور خارجه ایران که تاکنون مورد توجه محققین قرار نگرفته، استفاده شده است. پرسش اصلی این است که عملکرد میلسپو برای حل بحران نان چگونه بوده؟ و این اقدامات چه نتایجی در پی داشته است؟

مسئله‌ی غله و نان

در سال ۱۳۲۱ وضع غلات، مشکل بزرگی را ایجاد کرد. سیل‌های سر به فلک کشیده خالی از گندم شد. در نتیجه، کشور برای تامین احتیاج داخلی نیاز به واردات گندم، داشت. بسیاری از وسایل باربری ایران، در راه ارسال کمک به روسیه، در اختیار متفقین قرار داشت و کمبود گندم که غذای اصلی مردم به شمار می‌رفت، در همه جای ایران به چشم می‌خورد.^۱ از عواملی که مانع جمع‌آوری غله از ۱۳۲۰ گردید، رواج بازار آزاد و معاملات قاچاق در مورد گندم، مخصوصاً در شهرهای مرزی مجاور ترکیه و عراق بود؛^۲ زیرا قیمت گندم و جو در انحصار دولت بوده و تا اوایل مهر ماه ۱۳۲۱، دولت، گندم را تقریباً هر تن ۱۲۵ تومان خریداری می‌کرد؛ در حالی که بهای آن در سایر نقاط دنیا تقریباً ۳۵۰ تومان بود؛ این امر، سبب شد عده‌ای، برای کسب سود بیشتر گندم را به کشورهای مجاور قاچاق کنند تا بتوانند در آنجا به قیمت بیشتری به فروش برسانند.^۳ طبق دستور

۱. ایرج ذوقی، (۱۳۶۸)، *ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم*، تهران: پازنگ، ص ۷۱.

۲. سازمان اسناد ملی ایران، ش ۱۳۸۸۷-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۴۰۵ ق ۱۱۲۲. ص ۴.

۳. گزارش ماهیانه‌ی رئیس کل دارایی، روزنامه اطلاعات، ش ۵۱۳۰، (۱۳۲۲/۱/۸)، ص ۱.

ناظرین کمیسیون‌های جمع‌آوری غله، مالکین مکلف بودند مازاد گندم و جو و بهره‌ی مالکانه‌ی خود را به وزارت خواروبار بفروشند.^۱

در اوایل ۱۳۲۲، حدود ۱۰۴۸ تن گندم و جو، طبق قرارداد انگلستان و آمریکا، تحویل سیلوی تهران شد. ولی این مقدار نمی‌توانست به مدت طولانی به بهبود وضعیت کمک کند. بنابراین مراکز دولتی جمع‌آوری غله، به کشاورزان و مالکین اخطار کردند که هیچ یک از آن‌ها حق ندارد قبل از سپردن تعهد، به هیچ عنوان به برداشت محصول گندم و جو اعم از جزئی و کلی اقدام نماید.^۲ در این میان، بخش زیادی از مشکلات مربوط به کمبود و گرانی ارزاق، ناشی از تأمین احتیاجات متفقین در ایران بود.^۳ در بیشتر مواقع نیروی متفقین^۴ و ارتش، مایحتاج غله‌ی خود را از بازار آزاد خریداری می‌کردند که این اقدام در افزایش قیمت گندم تأثیر می‌گذاشت.^۵

در ۱۳۲۱، شورش نان، تهران را فرا گرفت؛ اقدامات قوام در جهت رفع بحران، اگرچه تا حدی موثر واقع شد، اما بیش از حد سخت‌گیرانه بود؛ او را به خود رأیی متهم کردند و جمعیت خشمگین، به تحریک شاه که احساس می‌کرد نخست وزیر خودسرش موقعیت او را نادیده گرفته و مورد تهدید قرار داده، منزل قوام‌السلطنه را مورد حمله قرار دادند و به آتش کشیدند.^۶ در این دوره‌ی بحرانی، جیره بندی نان، در تمام شهرهای ایران اعمال شد و

۱. روزنامه اطلاعات، ش ۵۱۵۷، (۱۳۲۲/۲/۱۰)، ص ۱.

۲. همان، ش ۵۱۹۱، (۱۳۲۲/۳/۱۸)، ص ۱.

۳. سر ریدر بولارد، (۱۳۶۲)، *شترها باید بروند*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو، صص ۹۰-۸۸.

۴. محمد ساعد در خاطرات خود به خریدهای سنگین غله توسط متفقین اشاره می‌کند: «در ۱۳۲۲ متفقین حدود یکصد هزار تن غله از ایران خارج کرده بودند.» حال آن که مجموع نیاز دولت ایران به غله در این سال، ۳۵۰ هزار تن بود. همچنین متفقین «در ۱۳۲۲ غیر از معامله گندمی که با دولت ایران نموده بودند در بازار آزاد هم گندم خریداری کرده و به خارج از ایران حمل کردند.» علاوه بر این، او یاد آور می‌شود: «سال ۱۳۲۳ در واقع سال بدی برای مردم ایران بود چون کمبود غله کاملاً محسوس بود و متأسفانه نیروهای متفقین مقدار ده هزار تن غله محصول ایران را از مرزهای کشور ما خارج کرده بودند.» محمد ساعد مراغه‌ای، (۱۳۷۳)، *خاطرات سیاسی محمد ساعد مراغه‌ای*، به کوشش باقر عاقلی، تهران: نامک، صص ۲۲۶-۲۲۴.

۵. سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۰۹۶۴۳، محل در آرشیو ۲۱۴ ص ۱۱۲، ص ۵.

۶. منوچهر فرمانفرمایان و رخسان فرمانفرمایان، (۱۳۷۸)، *خون و نفت*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس، ص ۲۱۰.

مردم با ارائه‌ی برگ شناسنامه، کوبین نان دریافت می‌کردند. دولت، ماهیانه حدود ۶/۰۰۰/۰۰۰ تومان خسارت می‌دید تا از این راه، قیمتی که برای نان معین می‌شد در خور استطاعت طبقات بی‌بضاعت باشد.^۱

با وجود این مشکلات، برخی از نانوایان اقدام به گران‌فروشی یا کم‌فروشی کردند؛ آنان به جای آن که کلیه‌ی آردی را که با قیمت پایین از دولت دریافت می‌داشتند، تبدیل به نان کنند، مقداری را به منظور نفع شخصی انبار می‌کردند.^۲ کمبود غله باعث شد تا دولت به فکر مخلوط کردن آرد گندم با سایر مواد مثل آرد جو بیافتد. بدین منظور نانوایان موظف بودند، نان مردم را با ترکیب ۸۰ درصد آرد گندم و ۲۰ درصد، آرد جو تأمین کنند.^۳ برای بهبود وضعیت نان، در زمان رضا شاه، یک سیلوی بزرگ بتنی برای گندم در حومه‌ی شهر تهران ساخته شده بود که در آن، آسیاب مخصوص آرد کردن گندم، مجهز به ماشین‌های مدرن مستقر بود. «شریدان»^۴ مستشار آمریکایی که چند ماه قبل از میلسپو به ایران آمده بود، برای مبارزه با روش‌های غیر بهداشتی نانوایان، به تأسیس یک نانوایی در سیلو اقدام کرد ولی نان آن مورد استقبال مردم واقع نشد.^۵

اقدامات میلسپو

میلسپو، پس از ورود به ایران، آئین‌نامه‌ای جهت جمع‌آوری مازاد محصولات غله‌ی مالکین منتشر کرد. طبق این آئین‌نامه، در تمام روستاها و املاک مزروعی کشور، بهره‌ی مالکانه‌ی گندم، جو و ذرت، متعلق به دولت بوده و مالکین هر روستا یا ملک مزروعی، موظف بودند بهره‌ی مالکانه‌ی تعیین شده را به وزارت خواروبار تحویل دهند. قیمت گندم، به استثنای نقاط مرزی و بعضی نقاط که وزارت خواروبار معین می‌کرد، هر تن، ۳ هزار ریال و بهای جو و ذرت، سه پنجم قیمت گندم بود.^۶

۱. سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۱۳۸۸۷، محل در آرشیو ۴۰۵ق ۱۱۲آ، ص ۳.

۲. همان، شماره سند ۲۴۰۰۱۳۸۸۷، محل در آرشیو ۴۰۵ق ۱۱۲آ، ص ۶.

۳. مذاکرات مجلس دوره‌ی سیزدهم شورای ملی، جلسه ۱۶۳، ۱۳۲۲/۲/۲۹؛ اطلاعات، ش ۵۱۷۳، ۱۳۲۲/۲/۲۹، ص ۱.

4. Sheridan

۵. آرتور میلسپو، (۱۳۷۰)، *آمریکایی‌ها در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز، ص ۱۴۰.

۶. سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۱۳۸۸۷، محل در آرشیو ۴۰۵ق ۱۱۲آ. صص ۶-۷.

وی برای جلوگیری از رواج بازار آزاد و معاملات قاچاق در مورد گندم، قیمت خرید دولتی گندم از کشاورزان را افزایش داد و از دولت اجازه گرفت تا قیمت خرید هر تن گندم را به طور متوسط به مبلغ ۲۵۰ تومان افزایش دهد. این عمل، نظر مساعد دولت را به طور موثری به مالکین و زارعین ثابت نمود و موجب شد آنان مقدار زیادی گندم، در اختیار دولت قرار دهند.^۱ نیروی متفقین و ارتش، مایحتاج غله‌ی خود را از بازار آزاد خریداری می‌کرد؛ این اقدام در افزایش قیمت گندم تأثیر می‌گذاشت، میلسپو از وزارت ارتش درخواست کرد که برای جلوگیری از افزایش قیمت گندم، از خرید غله از بازار آزاد خودداری کند.^۲ همچنین وی طی نامه‌ایی، از متفقین خواست تقاضاهای ریالی خود را در ایران کاهش داده و خرید خود را در بازار ایران محدود کرده، سعی کنند کالاهای بیشتری به ایران وارد کنند.^۳ یکی از مهم‌ترین مناطق غله خیز ایران، آذربایجان بود در حالی که روس‌ها آذربایجان را برای خودشان می‌خواستند؛^۴ همچنین شوروی بیشتر وسایل و توانایی ایران را برای رسانیدن جنس به کشور خود به کار گرفته بود.^۵ رکس ویویان، یکی از اعضای هیئت میلسپو بود که در آذربایجان خدمت می‌کرد؛ مستشار خواربار و همچنین مسئول نظارت بر توزیع خواربار، به سمت جنوب بود. روس‌ها مصمم بودند تا ویویان را از تبریز بیرون کنند زیرا وی اصرار داشت گندم آذربایجان باید به مصرف مردم ایران برسد و نباید به روسیه فرستاده شود.^۶ به عقیده‌ی ویویان توافقنامه‌ی موجود مبنی بر ارسال مقادیر معتدله‌ی غله به شوروی هیچ‌گاه نباید امضاء می‌شد و اگر به مرحله‌ی اجرا درمی‌آمد موجب بروز قحطی در آذربایجان می‌شد.^۷ سرانجام با کارشکنی مسئولان روسی، ویویان از تبریز اخراج شد. تلاش‌های میلسپو در خصوص رسیدگی سفارت آمریکا در این مورد، به جایی نرسید و سفارت آمریکا از دخالت در این باره خودداری کرد.^۸ در منطقه‌ی شمال،

۱. گزارش ماهیانه‌ی رئیس کل دارایی، ص ۱.
۲. سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۹۶۴۳، محل در آرشیو ۲۱۴ ص ۱۲۲، ص ۵.
۳. روزنامه اطلاعات، ش ۵۱۸۱، (۱۳۲۲/۳/۷)، ص ۱.
۴. لوئیس فاوست، (۱۳۷۴)، *ایران و جنگ سرد*، ترجمه کاوه بیات، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۲۰۶.
۵. صفاءالدین تبرائیان، (۱۳۷۱)، *ایران در اشغال متفقین*، تهران: رسا، ص ۴۹۶.
۶. *ایران و قدرتهای بزرگ*، صص ۱۳۶-۱۳۲.
۷. *ایران و جنگ سرد*، ص ۲۰۶.
۸. *آمریکایی‌ها در ایران*، ص ۲۵۲.

مقامات شوروی نیروهای نظامی خود را در مناطق مختلف، مستقر ساخته و به ایرانیان، اجازه دادند بدون هیچ تشریفات به شمال سفر کنند ولی در مورد اشخاصی که تابعیت بیگانه داشتند، مقامات شوروی برای هر مسافر پروانه‌ی عبور مطالبه می‌کردند که این مسئله مانع انجام مأموریت هیئت آمریکایی در شمال ایران می‌شد.^۱ به‌رغم آن، میلسپو با توجه به شرایط موجود هرگز به شوروی‌ها اعتراض علنی و تندی نکرد وی می‌نویسد: «ما در مورد کارهای شوروی، هرگز اعتراض علنی نکردیم و خود را با روس‌ها درگیر مناقشه نساختیم زیرا نه دولت ایران حاضر بود و نه سفارت آمریکا، که این مسئله را، نقض تعهدات شوروی از پیمان سه جانبه، به حساب بیاورند. به نظر من هم بهتر بود هر اقدامی در این زمینه را به بعد از جنگ موکول کنیم».^۲

میلسپو برای این که میزان خسارت دولت از بابت تأمین نان مردم با نرخ پایین را کاهش دهد، دستور داد تا قیمت نان را تا ۲ برابر افزایش دهند تا اقل قیمت اصلی آرد وصول گردد.^۳ همچنین دستور داد تا برای تأمین نان شهر و کمبود آرد، مقداری آرد ارزن و همچنین آرد ذرت وارد آرد گندم و آرد جو نموده و به نانوبی‌های شهر و نانوایان سیلو تحویل داده شود. اگر کسی از این دستور تخلف می‌کرد و از افزودن مواد جانبی خودداری می‌نمود از شغل خود برکنار می‌شد.^۴ وی همچنین برای مقابله با طرز پخت بد نانوایان و جلوگیری از احتکار آرد دولتی توسط این گروه، دستور تأسیس یک نانوبی دولتی بزرگ در سیلو را داد تا پخت نان در یک‌جا مرکزیت پیدا کند. بنابراین دولت در مدت کوتاهی یکی از بزرگ‌ترین نانوایان آسیا را تأسیس نمود و از فروردین ۱۳۲۲ کلیه نان مصرفی شهر در نانوایان مرکزی تهیه و توسط مغازه‌های دولتی توزیع گردید. در نتیجه‌ی این اقدام، ۴۲۱ نانوبی تعطیل شد ولی کارگران آن‌ها بیکار نماندند زیرا به تمام آنان در نانوایان مرکزی، شغلی واگذار شد.^۵ به تدریج نانوایان سیلو به دنبال آماده شدن تنورهای نان‌پزی، هر روز بر مقدار نان خود می‌افزود و نان را تحویل محل‌های

۱. همان، ص ۱۹۴.

۲. همان، ص ۲۵۳.

۳. سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۱۳۸۸۷، محل در آرشیو ۴۰۵ ق ۱۱۲، ص ۳.

۴. همان، شماره سند ۲۴۰۰۱۳۸۸۷، محل در آرشیو ۴۰۵ ق ۱۱۲، ص ۱.

۵. همان، شماره سند ۲۴۰۰۱۳۸۸۷، محل در آرشیو ۴۰۵ ق ۱۱۲، ص ۶.

فروش، اداره‌ها و وزارتخانه‌های دولتی می‌داد.^۱ دولت ۲۱۵ تن آرد برای پخت نان تهران اختصاص داده بود که ۹۰ تن آن به مصرف نان سیلو می‌رسید و بقیه، بین نانوایی‌ها پخش می‌شد.^۲

به علت مشکلات فراوان اقتصادی و اداری ایران، میلسپو نمی‌توانست به نتیجه‌ی مطلوب دست یابد و از آنجا که احساس می‌کرد به میزان کافی برای مقابله با مسائل اقتصادی مجهز نیست، خواستار توسعه‌ی اختیاراتش و تسری آن به امور اقتصادی شد. مجلس، سرانجام بر اثر اعتراضات میلسپو و فشار انگلستان و آمریکایی‌ها و با توجه به وضعیت بحرانی حاکم بر کشور، تسلیم شد،^۳ و قانون اختیارات دکتر میلسپو در مورد تنزل و تثبیت بهای اجناس، در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲ (۴ مه ۱۹۴۳) مشتمل بر هشت ماده را تصویب کرد.^۴ طبق این قانون، به میلسپو اختیار داده شد که امر تحصیل اجناس غیرخواروباری، کلیه‌ی مواد خام و مصنوعات، وارد و صادر کردن اجناس، حمل و نقل، انبار نمودن و توزیع آن را تحت اداره‌ی خود قرار دهد.^۵ پس از مدتی جمع‌آوری، حمل و توزیع اجناس خواروباری نیز جزء اختیارات وی قرار گرفت.^۶ میلسپو در بیانیه‌ای به روزنامه‌های پایتخت، این قانون را برای وضع موجود کارآمد دانست. به عقیده‌ی وی، این قانون موجب می‌شد تا دولت خود را برای مواجهه با اوضاع متغیر و اضطراری و مسائل تازه اقتصادی بعد از جنگ مهیا نماید.^۷

در این دوره، وظایف وزارت خواروبار شامل جمع‌آوری منظم خواروبار، از جمله نان و غله و توزیع صحیح آن در بین مردم بود. مدتی پس از ورود میلسپو، وزارت خواروبار در ۲۳ تیر ۱۳۲۲ (۱۵ ژوئیه ۱۹۴۳)، به دلیل نتیجه‌بخش نبودن اقدامات آن، منحل شد.^۸ پس

۱. روزنامه اطلاعات، ش ۵۱۴۱، (۱۳۲۲/۱/۲۲)، ص ۱.

۲. حسین مکی، (۱۳۷۴)، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۳، تهران: علمی، ص ۳۲۳.

۳. گریگوری لوویچ، بونداریسکی، (۱۳۵۸)، تاریخ توسعه طلبی آمریکا در ایران، ج ۱، تهران: آلفا، ص ۲۷.

۴. محمدعلی سفری، (۱۳۷۱)، قلم و سیاست (از استعفای رضا شاه تا سقوط مصدق)، تهران: نامک، ص ۹۰.

۵. سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۱۳۹۷۰، محل در آرشیو ۲۱۵ق ۱۳۳، صص ۳-۱.

۶. جمشید صداقت کیش، (۱۳۵۷)، روابط ایران و آمریکا، تهران: دهخدا، ص ۱۹۴.

۷. اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۴۱، پوشه ۴، سند ۳۰، ۱۳۲۳.

۸. سر کلارمونت اسکرین، (۱۳۶۳)، جنگ‌های جهانی در ایران، ترجمه حسین فراهانی، بی‌جا: نوین، ص ۲۹۴.

از انحلال وزارت خواروبار، میلپو قسمتی به نام اداره‌ی «غله و نان» تأسیس کرد. اداره‌ی غله و نان، عهده‌دار جمع‌آوری غله و اداره کردن امور نانوائی‌ها و توزیع نان و آرد بود. این قسمت، شامل اداره‌ی غله، اداره‌ی نان تهران، اداره‌ی سیلو، اداره‌ی نانوائی مرکزی تهران، اداره‌ی برنج، اداره‌ی حسابداری، اداره‌ی کارپردازی و کارگزینی بود. رئیس کل قسمت غله و نان مستقیماً در مقابل رئیس کل دارایی مسئول بود. بدین ترتیب، وظایف این بخش نیز در شمار وظایف اقتصادی میلپو قرار گرفت.^۱

یکی از اقدامات میلپو برای کنترل قیمت‌ها، تأسیس «قسمت تثبیت قیمت‌ها» بود که وظیفه‌ی گسترده‌ای داشت؛ از جمله وظایف آن، صدور انواع جوازها و تعیین میزان آن برای خرید کالاهای انحصاری از جمله غلات و آرد بود.^۲ ورود و صدور این اجناس، منوط به جواز یا اجازه‌ای بود که قسمت تثبیت قیمت‌ها صادر می‌کرد.^۳

پس از تأسیس اداره‌ی غله و نان، میلپو چهاردهمین آئین‌نامه‌ی تثبیت قیمت‌ها را منتشر کرد. به موجب این آئین‌نامه، گندم و جو بر اساس رویه‌ی سابق در فهرست اجناس انحصاری دولت قرار گرفت و فروش آن‌ها به کلی در انحصار قسمت غله و نان درآمد. کلیه‌ی قراردادهای مربوط به جمع‌آوری و حمل و نقل غلات با ماشین‌های باری، باید توسط صاحب منصبان قسمت غله و نان منعقد و به وسیله‌ی اداره‌ی باربری راه، صورت می‌گرفت. طبق این آئین‌نامه، غلاتی که در بازار آزاد به فروش رسیده یا احتکار می‌شدند، بدون پرداخت وجهی ضبط می‌شدند. قسمت غله و نان می‌توانست گندم و آرد را به خانه‌داران بفروشد تا لزومی به خرید آن‌ها در بازار آزاد برای مردم نباشد. حمل و نقل غلات توسط مردم، جز از طریق جوازهای صادر شده از طرف قسمت غله و نان و با موافقت رئیس کل دارایی، ممنوع بود. هر گونه قرارداد یا جوازی برای خرید و یا حمل و نقل غله در ایران به وسیله‌ی نمایندگان ارتش‌های خارجی یا سایر مقامات خارجی، باید به تصویب رئیس کل دارایی می‌رسید.^۴

۱. روزنامه اطلاعات، ش ۵۲۲۹، (۱۳۲۲/۵/۲)، ص ۱.

۲. اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۴۹، پوشه ۷، سند ۹۵، ۱۳۲۳.

۳. سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۲۴۰۰۲۵۹۲۰، محل در آرشیو ۳۲۱۵ ر ۳ ب ۱، صص ۲۹-۲۶.

۴. همان، شماره مدرک ۲۴۰۰۱۳۹۷۰، محل در آرشیو ۲۱۵ ق ۱۱۳، صص ۳-۲.

اقدامات میلسپو برای حل بحران نان سال‌های ۱۳۲۳-۱۳۲۱ ۹۳

چند روز پس از انتشار چهاردهمین آئین‌نامه، میلسپو پانزدهمین آئین‌نامه‌ی خود را منتشر نمود. به موجب این آئین‌نامه، هر جوازی که برای حمل غله یا آرد، قبل از صدور این آئین‌نامه توسط هر مقامی صادر شده بود لغو و از درجه‌ی اعتبار ساقط شد. به جز قسمت غله و نان هیچ کس اجازه نداشت به وسیله‌ی راه آهن، کامیون، اتوبوس، ماشین سواری یا هر وسیله‌ی دیگری اقدام به حمل گندم و یا جو و یا آرد گندم از تهران به نقاط دیگر یا بالعکس نماید. قسمت غله و نان حمل این اجناس را، خود مستقیماً به وسیله‌ی راه آهن و یا وسائل نقلیه‌ی غیر موتوری اداره می‌کرد و حمل و نقل با وسایل نقلیه‌ی موتوری توسط اداره‌ی باربری راه صورت می‌گرفت. بنا بر دستور وی، مأمورین ژاندارمری و شهربانی، مأمورین وزارت دارایی و مأمورین قسمت غله و نان و مأمورین اداره‌ی باربری راه، موظف بودند برای اجرای مقررات این آئین‌نامه، کلیه‌ی وسایل حمل و نقل را بازرسی کنند.^۱

در پی اقدامات فوق، میلسپو اداره‌ای به نام «قسمت پخش» تأسیس کرد؛ این قسمت شامل ادارات پخش، جیره‌بندی و حمل و نقل غلات می‌شد. این قسمت‌ها، سابقاً زیر مجموعه «قسمت تثبیت قیمت‌ها» بودند. میلسپو برای اجرای بهتر عملیات این قسمت، اعلام نمود که هیچ‌گونه ارتباط اداری بین عملیات قسمت پخش و عملیاتی که تحت نظارت قسمت تثبیت قیمت‌ها می‌باشد وجود نخواهد داشت. هدف وی از این اقدام این بود که قسمت پخش به طور مستقل و به بهترین وجه به جمع‌آوری گندم در سیلوها و پخش آن به نانواپی‌ها بپردازد.^۲

اقداماتی که میلسپو انجام آمد، نتوانست مشکل کمبود گندم را حل کند. بنابراین، وی در ۶ فروردین ۱۳۲۳ (۲۶ مارس ۱۹۴۴)، آئین‌نامه‌ی دریافت مازاد از کشاورزان را صادر و در آن تأکید کرد، به منظور جمع‌آوری صحیح و مطلوب محصول غله‌ی سال ۱۳۲۳ و برای تأمین نان و توزیع عادلانه‌ی آن بین مردم، باید گندم و جو و آرد این دو، در کلیه‌ی نقاط کشور به انحصار دولت درآید و خرید و فروش اجناس مزبور ممنوع و مسئولیت آن به قسمت غله و نان محدود شود. در تمام شهرستان‌ها و روستاها و زمین‌های زراعی کشور،

۱. سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۹۱۰۰۱۲۸۹، محل در آرشیو ۱۳۵ ط ۵ آج ۱، صص ۴-۱؛ اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۴۹، پوشه ۷، سند ۹۷، ۱۳۲۳.

۲. سازمان ملی اسناد ایران، شماره سند ۲۴۰۰۱۶۴۹۰ محل در آرشیو ۵ ل ۸۱ آ آ ۱، صص ۷-۶.

مالکین و زارعین، مکلف شدند همه‌ی مازاد گندم و جو ملک خود را به «قسمت غله و نان» بفروشند. طبق این آئین‌نامه، در هر زمینی، اگر سهم زارع بیشتر از چهار پنجم محصول می‌شد، ۲۰ درصد سهم وی مازاد تلقی شده و ۸۰ درصد آن بخشیده می‌شد. بهای گندم در هر حوزه‌ای، از طرف قسمت غله و نان و با موافقت قبلی رئیس کل دارایی تعیین می‌شد. بهای محصول جو نیز در هر حوزه‌ای، معادل دوسوم بهای گندم آن حوزه بود. مسئولیت جمع‌آوری غله‌ی هر ملکی به انضمام سهم زارع و مالک به عهده‌ی مالک بود و مالک حق داشت هنگام برداشت محصول، زارعین مربوطه را مانند سهم خود، از آن‌ها وصول و تحویل نماید.^۱ محصول ذرت از غلات انحصاری دولت محسوب نمی‌شد، ولی هرگاه برای فروش به «قسمت غله و نان» عرضه می‌شد، قسمت مزبور در صورت احتیاج، آن را به بهای جو خریداری می‌کرد.^۲ میل‌سپو بر این باور بود که فراوانی محصول گندم در سال ۱۳۲۲، موجب شد تا مردم اقدام به خرید بیش از حد گندم کرده و آن را احتکار کنند. از سویی زارعین نیز از وحشت این که همچون سال گذشته با کمبود گندم مواجه شوند، مازاد گندم خود را انبار کرده و به دولت نفروختند. بنا به نظر میل‌سپو، ادامه این روند سبب می‌شد تا در سال یاد شده، سیلوها خالی بمانند و در صورتی که کشور در سال پس از آن با کمبود گندم مواجه می‌شد، دولت عملاً توان مهار آن را از دست می‌داد. لذا میل‌سپو جمع‌آوری مازاد گندم در ۱۳۲۳ را، تنها گزینه خود به منظور مواجهه با بحران نان می‌دید.^۳ در نهایت، برای این‌که امور نان با مسائل غله هماهنگ باشد، میل‌سپو در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۳ (۱۸ مه ۱۹۴۴) طی آئین‌نامه‌ای، اداره‌ی کل نان را به قسمت غله و نان انتقال داد.^۴ همچنین دستور داد اداره سیلو و آسیاب‌ها و نان در قسمت غله و نان تأسیس شود. حساب‌های این اداره با اداره غله و نان توأم گردید و مقرر شد این آیین‌نامه از اول خرداد ماه اجرایی شود.^۵

۱. همان، شماره سند ۲۴۰۰۱۳۹۷۰، محل در آرشیو ۲۱۵ ق ۱۳۳، ص ۴.

۲. وزارت امور خارجه، کارتن ۴۹، پوشه ۷، سند ۳۰، ۱۳۲۳.

۳. آمریکایی‌ها در ایران، ص ۱۲۰.

۴. سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۲۴۰۰۲۵۹۲۰، محل در آرشیو ۳۱۵ ر ۳ ب ۱، ص ۱۳.

۵. اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۴۹، پوشه ۷، سند ۲۴، ۱۳۲۳.

نتایج اقدامات میلسپو

اقدامات و اصلاحاتی که میلسپو برای کاهش معضل نان انجام داد؛ نتیجه‌ی مطلوب را به دنبال نداشت. افزایش ۲ برابری بهای نان در برخی شهرها باعث واکنش مردم گردید؛ چنانچه در مهاباد در پی گرانی (افزایش قیمت نان از ۳/۵ ریال به ۴/۲۵) و کمیابی نان، مردم با هجوم به انبارها، دست به غارت گندم و قند زدند.^۱

اگرچه، نانواپی سیلو به کار افتاده و نان بسیار تولید می‌کرد ولی پس از مدتی، کیفیت نان آن پایین آمد و به اندازه‌ی ناگوار و غیر قابل خوردن شد که باعث بروز بیماری و مرگ چند نفر گردید.^۲ بنابراین پس از مدتی، به دلیل این‌که نان سیلو خوب پخت نشد، مردم هم رغبتی به مصرف آن پیدا نکردند و چون قیمت این نان ارزان بود به مصرف گاو و اسب می‌رسید.^۳ میلسپو ضمن پذیرش نواقص نان سیلو، دستور به تعطیلی نانوائی آن‌جا داد و سهمیه آرد این نانوائی را در میان نانوائی‌های شهر تهران توزیع کرد. بنابراین پس از گذشت یک سال از شروع به کار نانوائی مرکزی، از پخت زیاد نان آن جلوگیری شد.^۴ آسیای سیلو به خاطر عدم دسترسی به وسایل یدکی، قادر به تهیه آرد مرغوب نبود؛ بنابراین، از تعداد آسیاها به‌طور چشمگیری کاسته شد؛ به طوری که در عوض تولید ۲۴۰ تن آرد، فقط به‌طور متوسط ۱۵۰ تن تهیه می‌کرد و روز به روز هم از میزان تولید آسیاها کاسته می‌شد.

در زمانی که شربدان، امور خواروبار را بر عهده داشت، برای خرید ماشین‌آلات جدید از شوروی و سپس آمریکا، تلاش کرد، اما تا پایان سال ۱۳۲۲، اقدامی در این خصوص صورت نگرفت. برای رفع این مشکل، از قسمت غله و نان درخواست شد تا در اقدام دیگری، آسیاهای موتوری واقع در محوطه‌ی سیلو را که کهنه و فرسوده شده بودند، تعمیر کند. بدین منظور، به صاحبان آسیاهای مذکور دو میلیون و چهارصد هزار ریال از بانک کشاورزی، وام داده شد.^۵ تا مهر ماه ۱۳۲۲، موضوع پخت و اداری امور نان تحت نظارت

۱. همان، کارتن ۲۱، پوشه ۷، سند ۹، ۱۳۲۱.

۲. حسین مکی، (۱۳۷۴)، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۳، تهران: علمی، ص ۳۲۳.

۳. مذاکرات مجلس دوره‌ی سیزدهم شورای ملی، جلسه ۲۰۱، (۱۳۲۲/۶/۲۴)؛ اطلاعات، ش ۵۲۷۳، (۱۳۲۲/۶/۲۴)، ص ۱.

۴. همان، جلسه ۲۰۷، (۱۳۲۲/۷/۲۲)؛ اطلاعات، ش ۵۲۹۵، (۱۳۲۲/۷/۲۲)، ص ۱.

۵. اطلاعات، ش ۵۲۹۵، (۱۳۲۲/۹/۲۶)، ص ۱.

مستقیم میلسپو اداره می‌شد، اما وی به خاطر مشغله فراوان خویش و عدم توانایی در رسیدگی صحیح به این امور، اداره‌ی قسمت نان را از وظایف خود خارج و به وزارتخانه‌ی مربوطه واگذار کرد. بنابراین، جمع‌آوری و حمل و نقل و توزیع غله در تمام کشور زیر نظر میلسپو انجام شد؛ ولی امر نان یعنی پخت و اداره‌ی آن، به دولت واگذار گردید.^۱

با انتشار پانزدهمین آئین‌نامه میلسپو که طی آن صدور هر جوازی برای حمل غله یا آرد ممنوع اعلام شده بود، خانه‌دارانی را که آرد سالانه‌ی خود را معمولاً در آغاز سال تهیه می‌کردند و نیز کسانی را که کوبین خود را تسلیم وزارت خواروبار کرده بوده و جواز آرد را از اداره‌ی غله - واقع در سیلو - گرفته بودند سخت نگران کرد. در این دوره، عده‌ی زیادی از مردم، نان مصرفی سالیانه‌ی خود را در آغاز سال تأمین می‌کردند، بر اثر جنگ، تعداد این خانواده‌ها زیاد شده بود.^۲ دلیل میلسپو برای این تصمیم، این بود که برای جلوگیری از ایجاد بازار سیاه و ترقی بهای غله، لازم بود که غیر از دولت، خریدار دیگری وجود نداشته باشد و تقاضاکنندگان، آرد را از سیلو و به وسیله‌ی دولت خریداری کنند.^۳

این ممنوعیت، اعتراض نمایندگان را نیز در پی داشت. از نظر آنان، محصول گندم در ۱۳۲۲، از هر حیث مناسب، و نگرانی میلسپو در این زمینه بی‌مورد بود. آنان تأکید داشتند که دولت باید در اسرع وقت به افراد و خانواده‌هایی که مایل به تهیه‌ی آرد از خارج از تهران بودند، جواز بدهد و از آن‌جا که جیره‌بندی به مناطقی تعلق می‌گرفت، که محصول اندکی داشتند و با توجه به فراوانی محصول در ۱۳۲۲، جیره‌بندی معنا نداشته و جلوگیری از ورود آرد، عواقب سوئی در بر می‌داشت. از زمانی که جواز حمل آرد ممنوع شد، قیمت خواروبار ترقی کرد و قیمت گندم از ۲۲۰ تومان به ۵۰۰ تومان رسید. نمایندگان در باز گذاشتن دست مردم برای وارد کردن جنس اصرار می‌ورزیدند، زیرا به دلیل صادر نشدن جواز به صورت صحیح، مردم دچار مشقت می‌شدند. این اقدام میلسپو، همچنین با اعتراضات زیادی از سوی مردم تهران روبرو شد.^۴

۱. همان، ش ۵۲۵۴، (۱۳۲۲/۷/۲۶)، ص ۱؛ وزارت امور خارجه، کارتن ۵۲، پوشه ۶۸، سند، ۱۳۲۳.

۲. روزنامه اطلاعات، ش ۵۱۹۴، (۱۳۲۲/۳/۲۲)، ص ۲.

۳. همان، ش ۵۲۴۰، (۱۳۲۲/۵/۱۶)، ص ۱.

۴. همان، ش ۵۲۳۵، (۱۳۲۲/۵/۱۰)، ص ۱.

محمد ساعد که در ابتدای سال ۱۳۲۱، وزیر خارجه و در ۱۳۲۳، نخست وزیر بود؛ در گفتگوی خود با میلسپو، دلیل این مخالفت عمومی را به صراحت به وی بیان می‌دارد: «استخدام شما و سایر متخصصین آمریکایی به این جهت بود که هزینه زندگی فوق العاده ترقی نموده بود و این فکر وجود داشت که با دادن اختیارات وسیع به شما هزینه زندگی تنزل پیدا خواهد کرد، در حالی که آثاری مشهود نیست. میلسپو در جواب گفت قبل از ورود من در ایران قحطی بود و نان به دست نمی‌آمد و همه چیز جیره بندی بود و اکنون تمام مواد غذایی در ایران ارزان شده است. بلافاصله گفتم قضیه درست عکس می‌باشد. چون در ۱۳۲۱، که قحطی شده بود و من در کابینه سهیلی و قوام السلطنه پست وزارت امور خارجه را به عهده داشتم، وحشت زده شده بودیم که چه باید کرد و چگونه می‌توان در برابر این قحطی ایستادگی نمود و اغلب وزیران پیش بینی کرده بودند که وضع از این بدتر نمی‌شود و تعادل پیدا خواهد شد؛ ولی اکنون دو سال از آن زمان می‌گذرد می‌بینیم قحطی به صورتی دیگر نمودار است، هم نان و هم سایر مواد غذایی به حد وفور به دست می‌آید ولی به قیمت‌های گزاف»^۱.

پس از اعتراضات فراوان به تصمیم میلسپو و پس از مذاکرات طولانی که چند تن از نمایندگان مجلس شورای ملی و بیات؛ وزیر دارایی، با دکتر میلسپو انجام دادند، میلسپو شانزدهمین آئین‌نامه‌ی خود را صادر کرد. طبق این آئین‌نامه، حمل و نقل غله از روستایی به روستای دیگر آزاد اعلام شد و نیازی به گرفتن جواز نبود. همچنین صاحبان املاک کشاورزی که در تهران زندگی می‌کردند در صورتی که تعهدات خود را در قبال دولت انجام می‌دادند، مجاز بودند که نیازهای خانوادگی خود را در تهران، از مازاد غله‌ی روستای خود فراهم کنند.^۲

اقدام میلسپو جهت دریافت مازاد از کشاورزان نیز موجب اعتراض گسترده‌ی کشاورزان شد. کشاورزان تلگراف‌های شکایت‌آمیزی به مجلس فرستادند و طی آن متذکر شدند، از آنجا که قیمت دریافت مازاد، از سوی دولت بسیار اندک معین شده پیش بینی می‌شود که طی اجرای این آئین‌نامه، زارع و محصول، هر دو نابود شوند.^۳ معترضان به این

۱. خاطرات سیاسی محمد ساعد مراغه‌ای، ص ۲۱۳.

۲. روزنامه اطلاعات، ش ۵۲۴۲، (۱۳۲۲/۸/۲۸)، ص ۱؛ اسناد وزارت امور خارجه، کارتق ۴۹، پوشه ۷، سند ۸۹، ۱۳۲۳.

۳. مذاکرات مجلس دوره‌ی چهاردهم شورای ملی، جلسه ۳۶، (۱۳۲۳/۳/۲۳).

قانون، معتقد بودند که در ایران هنوز وضعیت کشاورزی به گونه‌ای نیست که کشاورز پس از تهیه نان سالیانه، پرداخت دستمزد کارگران، تهیه علفه‌ی دام و آماده کردن بذر برای سال بعد، همچنان گندم اضافی داشته باشد و اگرچه جمع‌آوری غله و تأمین نان مردم، امری حیاتی است ولی نباید به گونه‌ای باشد که برای کشاورزان مزاحمت ایجاد شود و دخالت دولت برای دریافت محصول مازاد را بی‌مورد می‌دانسته و هشدار می‌دادند که برخی از مأمورین دولتی، به بهانه‌ی گرفتن مازاد، حتی بذر مساعده‌ی رعیت را هم می‌گیرند. در ایران، کمتر رعیتی وجود داشت که بیش از مصرف خانواده خود غله داشته باشد. مالکین، به هر ترتیبی که بود از دادن مازاد سرپیچی می‌کردند حال آن که زارعان گرفتار مأمورین غله می‌شدند.^۱

نمایندگان مجلس معتقد بودند میلسپو با وجود فراوانی غله در ۱۳۲۲، نتوانست آن را به صورت رضایت‌بخشی جمع‌آوری نماید و در ۱۳۲۳، برای جبران آن، متوسل به چنین آئین‌نامه‌هایی شده است.^۲ دکتر مصدق نیز از مخالفین اقدامات میلسپو در زمینه غله بود. وی معتقد بود میلسپو به این دلیل که تصمیم داشته گندم را از بازار آزاد خارج کند تا بدون تبعیض همه بتوانند نان سیلو تهیه کنند، در ۱۳۲۲، مانع از ورود آزادانه آرد به تهران شد، اما مشاهده شد که ساکنین ثروتمند برای حفظ جان خود، غله‌ی قاچاق را که معمولاً، با کامیون‌های دولتی حمل می‌شد با قیمت بالا خریداری کردند و دولت هم نتوانست اقدامی صورت دهد.^۳ مصدق با اشاره به این‌که هر تن گندم در بازار آزاد با نرخ ۲۰۰ تومان داد و ستد می‌شود، مدعی بود، وزارت دارایی این گندم را بیش از ۶۰ تومان نمی‌خرد و مردم آقدر وطن‌پرست نیستند که اگر جنسی را در بازار آزاد هر تن ۲۰۰ تومان می‌خریدند، به قیمت ۶۰ تومان به دولت بفروشند تا سیلو خالی نماند.^۴ وی با اشاره به آئین‌نامه‌ی میلسپو، که مطابق آن، چنان‌چه سهم زارع، بیشتر از چهارینجم محصول بود، ۸۰ درصد آن بخشیده شده و ۲۰ درصد سهم وی، مازاد تلقی می‌شد، بر این نظر بود که این روند، تنها در مناطقی جریان دارد که به صورت دیم زراعت می‌شود و آن هم به خاطر این است که زحمت زارع در این نوع زراعت، بیش‌تر است.^۵

۱. همان، جلسه ۲۶، (۱۳۲۳/۲/۱۴).

۲. همان، جلسه ۳۷، (۱۳۲۳/۳/۲۸).

۳. حسین کی استوان، (۱۳۲۷)، سیاست موازنه‌ی منفی، ج ۱، تهران: تابان، ص ۹۰.

۴. مذاکرات مجلس دوره‌ی چهاردهم شورای ملی، جلسه ۱۵، (۱۳۲۳/۱/۲۰).

۵. همان، جلسه ۲۶، (۱۳۲۳/۲/۱۴).

مصدق ضمن مخالفت با انحصار غلات و دریافت مازاد محصول از زارعین، دولت را فاقد صلاحیت و اقتدار لازم برای عملی نمودن انحصار می‌دانست و معتقد بود همان‌گونه که دولت در ۱۳۲۲، نتوانست از بازار آزاد جلوگیری کند در ۱۳۲۳، نیز قادر به انجام این امر نمی‌باشد. از نظر وی، ایجاد انحصار موجب می‌شد که کالا مرکزیت پیدا کند که آن هم به نوبه خود، سبب خروج جنس از مملکت می‌شد و دولت مجهز به وسائل نقلیه نبود تا بتواند از نقاطی که دارای محصول مازاد بودند، به نقاط دیگر جنس حمل کند. وی پیشنهاد کرد دولت تنها باید از محل‌هایی که همه ساله به مرکز مازاد می‌دادند و از مناطق پر محصول، غله به مرکز بیاورد و اگر دولت با واردات گندم به تهران موافقت کند، در زمانی اندک، مقدار زیادی از گندم، توسط مردم وارد تهران می‌شود.^۱

با این وجود، میلسپو با ایجاد انبارهای خصوصی، تا زمانی که بتواند سیلوی دولتی را از مازاد گندم انباشته کند، مخالفت کرد. بنا بر نظر بولارد، سفیر کیپر انگلستان در ایران، میلسپو با این اقدام درصدد توزیع برابر نان میان اغنیا و فقرا بود، اما ثروتمندان نسبت به این امر واکنش نشان دادند، و در صورت توانایی، وی را به خاطر این عمل منصفانه‌ی ناخوشایند، سرنگون می‌کردند.^۲ با وجود این، اقدام یاد شده میلسپو با اعتراضات بسیار روبرو شد و در نتیجه، مجلس شورای ملی در ۵ مرداد ۱۳۲۳ (۲۷ ژوئیه ۱۹۴۴)، آئین‌نامه‌ی غله را اصلاح و طرحی را تصویب کرد که مطابق آن، دریافت مازاد از رعیت ممنوع و این قسمت هم، از اختیارات دکنتر میلسپو خارج شد. در این مصوبه‌ی مجلس، به وزارت دارایی و سایر سازمان‌های خواروبار اجازه داده شد، مازاد غله‌ی سهم رعایا را به رضایت آن‌ها در برابر فروش قند، شکر، چای و قماش، به بهایی که بین اهالی کشور از طرف دولت توزیع می‌شد، خریداری و جمع‌آوری کنند.^۳

۱. بیژن نیک بین، (ویراستار)، (۱۳۶۲)، گذشته چراغ راه آینده است، پژوهش‌گروهی جامی، تهران: نیلوفر ص ۱۷۸.

۲. سر ریدر بولارد، (۱۳۷۱)، نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه‌ی سر ریدر بولارد؛ سفیر کیپر انگلستان در ایران، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران: طرح نو، ص ۴۴۴.

۳. مذاکرات مجلس دوره‌ی چهاردهم شورای ملی، جلسه ۴۷، (۵/۵/۱۳۲۳).

نتیجه‌گیری

میلسپو در راستای تلاش برای حل بحران نان، دست به اقدامات مهمی زد، اما نتیجه‌ی آن مثبت و موثر نبود و همچنان نارضایتی مردم نسبت به وضع موجود باقی ماند. عواملی در عدم موفقیت میلسپو در زمینه‌ی حل این بحران دخیل بود؛ میلسپو در دوره دوم مأموریت خود در ایران، فردی ۶۰ ساله بود که در این سن می‌بایستی ناظر بر جریان امور باشد و به هدایت ارگان‌ها بپردازد؛ اما میلسپو به دلیل اختیارات گسترده‌ای که خود وی درخواست کرد، با وظایف و مشغله فراوانی مواجه شد و از آن‌جا که شخصیتی سختگیرانه داشت، اصرار می‌ورزید کارها و اقدامات توسط خود وی صورت گیرند. در چنین شرایطی، کارها به‌طور منظم و اصولی پیش نرفت و نتیجه‌ی مطلوب نیز حاصل نشد. تاسیس نانوآخانه‌ی بزرگ دولتی، به دلیل عدم نظارت کارآمد و فرسودگی دستگاه‌های آن، همچنین قانون جلوگیری از واردات آزاد گندم و جو به تهران، به منظور مبارزه با تشکیل بازار سیاه و احتکار غله، که برای رفع نیازمندی مردم بی‌بضاعت صورت می‌پذیرفت، به دلیل نبود قدرت اجرایی و کنترل مناسب موفق نبودند و همچنان قاچاق کالا دیده می‌شد. بنابراین، مردم عادی که برای مصارف خود گندم وارد می‌کردند، از این قانون بیشتر متضرر شدند.

در ۱۳۲۲ همراه با فراوانی محصول گندم کشور، تصمیم میلسپو برای خرید مازاد گندم از زارعان، در مناطقی مانند کردستان و آذربایجان که محصول غله‌ی فراوانی داشت، قابل اجرا بود، اما در مناطق دیگر، مازاد فراوانی در دست زارع باقی نمی‌ماند و این دستور موجب نگرانی آنان شد. از عوامل بسیار مهم دیگر در ناکامی میلسپو برای حل بحران نان، حضور دولت‌های متفق در ایران بود که از موضع سخت‌آمرا، به جمع‌آوری و خرید کلی غله می‌پرداختند و بخصوص، اشغال آذربایجان توسط شوروی که این بخش حاصل‌خیز ایران را تحت اشغال خود درآورده و گندم این منطقه را، یا به مصرف ارتش خود می‌رساند و یا بدون این‌که وجهی در قبال آن به دولت ایران بپردازد، به روسیه منتقل می‌کرد؛ و در مواقعی که مقداری از گندم آذربایجان را به دولت ایران تحویل می‌داد، در مقابل آن پول هم دریافت می‌کرد.

علاوه بر این موارد، عدم دسترسی به وسایل حمل و نقل کافی و عدم حمل صحیح و به موقع غله، باعث شد، میلسپو نتواند برای رفع مشکل نان، اقدام مهم و مؤثری بردارد. ضمن آن که آمریکا نیز با استفاده از امکانات حمل و نقل ایران به ویژه راه‌آهن شمال به جنوب،

اقدامات میلپو برای حل بحران نان سال‌های ۱۳۲۳-۱۳۲۱ ۱۰۱

به شوروی غله ارسال، و به اعمال شوروی در شمال ایران به دیده اغماض می‌نگریست؛ طبیعتاً میلپو به عنوان مستشار مالی آمریکایی نمی‌توانست خارج از دستورات کشور متبوعش عمل کند. ضمن این که مواضع میلپویی که در ۱۳۰۱، برای حل مشکلات مالی به ایران آمد با میلپویی که در ۱۳۲۱، به ایران وارد شد، متفاوت بود. در دوره اول، هنوز مقاصد آمریکا در ایران چندان واضح نبود ولی در دوره بعد، تلاش‌های آمریکا برای نفوذ در ایران و حفظ منافع خود کاملاً آشکار شد و میلپو نیز نمی‌توانست خارج از آن منافع عمل کند.



فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

- اسکراین، سرکلارمونت، (۱۳۶۳)، *جنگهای جهانی در ایران*، ج ۱، ترجمه حسین فراهانی، تهران: نوین.
- بولارد، سرریدر، (۱۳۶۲)، *شترها باید بروند*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- _____، (۱۳۷۱)، *نامه‌های خصوصی و گزارشهای محرمانه در ایران*، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران: طرح نو، ۱۳۷۱.
- بوندارفسکی، گریگوری لویچ، (۱۳۵۸)، *تاریخ توسعه طلبی آمریکا در ایران*، ج ۱، تهران: آلفا.
- تیرائیان، صفاء الدین، (۱۳۷۱)، *ایران در اشغال متفقین*، تهران: رسا.
- ذوقی، ایرج، (۱۳۶۸)، *ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم*، تهران: پاژنگ.
- سفری، محمدعلی، (۱۳۷۱)، *قلم و سیاست از استعفای رضا شاه تا سقوط مصدق*، تهران: نامک.
- صداقت کیش، جمشید، (۱۳۵۷)، *روابط ایران و آمریکا*، تهران: دهخدا.
- فاوست، لوئیس، (۱۳۷۴)، *ایران و جنگ سرد*، ترجمه کاوه بیات، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- فرمانفرمایان، منوچهر و رخسان فرمانفرمایان، (۱۳۷۸)، *خون و نفت*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- کی استوان، حسین، (۱۳۲۷)، *سیاست موازنه‌ی منفی*، ج ۲، تهران: تابان.
- مراغه‌ای، محمد ساعد، (۱۳۷۳)، *خاطرات سیاسی محمد ساعد مراغه‌ای*، به کوشش باقر عاقلی، تهران: نامک.
- مکی، حسین، (۱۳۷۴)، *تاریخ بیست ساله ایران*، تهران: علمی.
- میلیسیو، آرتور چستر، (۱۳۷۰)، *آمریکایی‌ها در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
- نیک بین، بیژن، (ویراستار)، (۱۳۶۲)، *گذشته چراغ راه آینده است*، پژوهش گروهی جامی، تهران: نیلوفر.

اسناد:

- سازمان اسناد ملی ایران؛
- شماره سند ۲۴۰۰۱۳۹۷۰، محل در آرشیو ۲۱۵ ق ۱۳ آ.
- شماره سند ۲۴۰۰۹۶۴۳، محل در آرشیو ۲۱۴ ص ۱۲ آ.
- شماره سند ۲۴۰۰۱۳۸۸۷، محل در آرشیو ۴۰۵ ق ۱۲ آ.
- شماره سند ۲۹۱۰۱۲۸۹، محل در آرشیو ۱۳۵ ط ۵ آ ج ۱.
- شماره سند ۲۴۰۰۲۵۹۲۰، محل در آرشیو ۳۲۱۵ ر ۳ ب آ.
- شماره سند ۲۴۰۰۱۶۴۹۰، محل در آرشیو ۸۱۰ ل ۵ آ.
- شماره سند ۲۴۰۰۱۳۹۷۰، محل در آرشیو ۲۱۵ ق ۱۳ آ.
- شماره سند ۲۴۰۰۲۵۹۲۰، محل در آرشیو ۳۲۱۵ ر ۳ ب آ، صص ۲۶-۲۹.
- اسناد وزارت امور خارجه؛

اقدامات میلپو برای حل بحران نان سال‌های ۱۳۲۳-۱۳۲۱ ۱۰۳

- کارت‌ن ۱۲، پوشه ۱۴، سند ۳۸، ۱۳۲۱ هجری شمسی.
- کارت‌ن ۲۱، پوشه ۷، سند ۹، ۱۳۲۱ هجری شمسی.
- کارت‌ن ۴۹، پوشه ۷، سند ۲۴، ۱۳۲۳ هجری شمسی.
- کارت‌ن ۵۲، پوشه ۶۸، سند ۱۳، ۱۳۲۳ هجری شمسی.
- کارت‌ن ۴۱، پوشه ۴، سند ۳۰، ۱۳۲۳ هجری شمسی.
- کارت‌ن ۴۹، پوشه ۷، سند ۹۵، ۱۳۲۳ هجری شمسی.
- کارت‌ن ۴۹، پوشه ۷، سند ۹۷، ۱۳۲۳ هجری شمسی.
- کارت‌ن ۴۹، پوشه ۷، سند ۸۹، ۱۳۲۳ هجری شمسی.
- کارت‌ن ۴۹، پوشه ۷، سند ۳۰، ۱۳۲۳ هجری شمسی.

نشریات:

- روزنامه اطلاعات، ش ۵۱۴۱، (۱۳۲۲/۱/۲۲).
- _____، ش ۵۲۹۵، (۱۳۲۲/۹/۲۶).
- _____، ش ۵۱۹۱، (۱۳۲۲/۳/۱۸).
- _____، ش ۵۱۵۷، (۱۳۲۲/۲/۱۰).
- _____، ش ۵۱۸۱، (۱۳۲۲/۳/۷).
- _____، ش ۵۲۲۹، (۱۳۲۲/۵/۲).
- _____، ش ۵۱۹۴، (۱۳۲۲/۳/۲۲).
- _____، ش ۵۲۴۰، (۱۳۲۲/۵/۱۶).
- _____، ش ۵۲۳۵، (۱۳۲۲/۵/۱۰).
- _____، ش ۵۲۴۲، (۱۳۲۲/۸/۲۸).

مذاکرات مجلس:

- مذاکرات مجلس دوره‌ی سیزدهم شورای ملی، جلسه ۱۶۱، ۱۳۲۲/۲/۲۹.
- _____، جلسه ۱۹۰، ۱۳۲۲/۶/۲۴.
- _____، جلسه ۱۹، ۱۳۲۲/۷/۲۲.
- مذاکرات مجلس دوره‌ی چهاردهم شورای ملی، جلسه ۳۶، ۱۳۲۳/۳/۲۳.
- _____، جلسه ۲۶، ۱۳۲۳/۲/۱۴.
- _____، جلسه ۳۷، ۱۳۲۳/۳/۲۸.
- _____، جلسه ۱۵، ۱۳۲۳/۱/۲۰.
- _____، جلسه ۲۶، ۱۳۲۳/۲/۱۴.
- _____، جلسه ۴۷، ۱۳۲۳/۵/۵.